

برخی ساختهای نحوی قالبی شده در زبان فارسی*

آکساندر ورتنیکوف

ترجمه محسن شجاعی

همان‌گونه که می‌دانیم، تاکنون بررسی مسئله نحو زبان فارسی تنها در حوزه انگاره‌های (models) گوناگون جملات و ترکیبات ساده و مرکب «آزاد» انجام می‌گرفته است. ویژگی این انگاره‌ها وجود روابط نحوی صریح و زنده در میان اجزاء انگاره است. معنای جملاتی که بر پایه انگاره‌های نحوی آزاد ساخته می‌شوند، از معنای اجزاء سازنده جمله به دست می‌آید، چرا که روابط میان اجزاء در این جمله‌ها موجه (motivated) است.

اما در زبان فارسی انگاره‌های نحوی‌ای نیز وجود دارد، که روابط میان اجزاء آنها از دیدگاه روابط نحوی زنده توجیه‌پذیر نیست. ساخت نحوی در این انگاره‌ها ثابت است، واژه‌های آزاد آنها متغیرند و معنای انگاره برخلاف واحدهای اصطلاحی (phraseological units) نه توسط مجموعه واژگان بلکه توسط طرح دستوری جمله شکل می‌گیرد. در این صورت معنای این گونه جملات از روابط میان اجزاء آنها به دست نمی‌آید. همین نکته نیز به ما اجازه می‌دهد که آنها را به عنوان ساختهای نحوی قالبی شده در نظر بگیریم.

* A. A. Veretennikov. "O frazeologizovannykh sintaksicheskikh konstruksiiakh v persidskom iazyke". *Vestn. Mosk. Un-ta. Ser 13, Vostokovedenie*. 1995, No. 1, str. 46-51.

در اینجا یکی از انواع ساختهای قالبی شده را بررسی می‌کنیم که بر پایه انگاره $Vfneq1 + ke + Vfneq1$ ساخته می‌شود و مفهوم آن «به هیچ وجه نمی‌شود؛ به هیچ وجه امکان ندارد؛ نمی‌شود و همین» است.

(۱) دو سه روز پیش هرچه اصرار کردیم جهت هوا خوری و خرید... پایش را از خانه بیرون بگذارد، قبول نکرد که نکرد. [کیهان، شماره ۱۱۷۶۲].

(۲) ماهی یک دست کت و شلوار می‌دوزند، یک خانه جدید می‌خرند، فرش می‌خرند، ماشین می‌خرند، ولی پولها تمام شدنی نیست که نیست. [کیهان، شماره ۱۱۸۵].

(۳) به هر زبانی سعی کردم به آنها بفهمانم که، باباجان در کجای دنیا یک دوچرخه را به خاطر پنچرشدن دور می‌اندازند، حرف توی گوششان نرفت که نرفت. [کیهان، شماره ۱۲۳۰۷].

(۴) اما هر کاری کردم که (سگ) چند تا واق کند، نکرد که نکرد. [کیهان، شماره ۱۰۰۶۱]. برخلاف انگاره‌های نحوی آزاد، اجزاء متغیر ساختهای قالبی شده محدودیتهای خاص دستوری دارند. مثلاً در ساخت قالبی شده مورد بررسی یک فعل و تنها همان یک فعل به صورت منفی تکرار می‌شود. کاربرد فعل به صورت مثبت، آن گونه که در ترکیبهای آزاد (از نوع او رفت-او نرفت) رخ می‌دهد، تنها باعث تغییر معنای دستوری انگاره نمی‌شود، بلکه به تغییر معنای کل ساخت می‌انجامد. در این حالت، ساخت معنای قالبی خود را از دست می‌دهد یا معنای تازه‌ای می‌یابد که با معنای اول آن منطبق نیست. به عنوان شاهد می‌توان ساخت قالبی شده $Vfaff1 + ke + Vfaff1$ را مثال آورد که تفاوت آن با ساخت پیش‌گفته تنها در آن است که صورت شخصی فعل در این ساخت در موقعیتهای قرینه به صورت مثبت به کار می‌رود. این ساخت در بیان برخورد منفعلانه گوینده نسبت به یک رویداد کاربرد دارد.

(۵) اگر کسی رو گرفتن که گرفتن، دیگه راحتیم. [اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۰۹]. در مجموع اجزاء ساخت نحوی قالبی شده دو گروه را می‌توان تشخیص داد که بر پایه نشانه‌ها باز بودن/بسته بودن جایگاه‌های نحوی‌شان به روشنی در تقابل با یکدیگرند. اجزاء به کار رفته در جایگاه‌های نحوی باز در ساختهای قالبی شده محدودیتهای واژگانی ندارند و تنها باید به یکی از بخشهای گفتار منسوب باشند. آنها را می‌توان اجزاء متغیر نیز نامید. از سوی دیگر اجزاء به کار رفته در جایگاه‌های نحوی بسته واژه‌هایی هستند که به شکل یک صورت دستوری خاص، واژگانی (petrified) شده‌اند. آنها را می‌توان اجزاء ثابت نامید. هم واژه‌های آزاد و هم واژه‌های وابسته

می‌توانند در نقش اجزاء ثابت به‌کار روند؛ برخی ساختهای قالبی شده نیز ممکن است کلاً فاقد اجزاء ثابت باشند.

برخلاف انگاره‌های نحوی آزاد، ساختهای قالبی شده دارای یک آرایش زنجیره‌ای اجزاء هستند که به‌گونه‌ی استواری تثبیت شده است. این ساختها معمولاً در معرض تحولات ساختی قرار نمی‌گیرند و گسترش و توزیع اعضای آنها نیز رخ نمی‌دهد.^۱ معنای آنها در حد بالای اصطلاحی شدگی است. این نکته تأیید این نظر است که «اصطلاحی‌شدگی به همه‌ی سطوح زبان رسوخ می‌کند. اصطلاحی‌شدگی معمولاً در محل برخورد دوسطح رخ می‌دهد و تجسم آن به‌صورتی است که معنای واقعی اجزاء اصطلاح و قواعد سازماندهی آنها با معنای صوری مثال مطابقت نمی‌کند» (تلی‌یا ۱۹۶۶: ۸۵). البته، شمار ساختهای اصطلاحی در حوزه‌ی نحو به‌گونه‌ای مقایسه‌نشده‌ی کمتر از شمار این ساختها در میان واحدهای سطح واژگانی است.

ساختهای قالبی شده دارای معنای ضمنی عاطفی‌ای هستند که به روشنی بیان می‌شود و حوزه‌ی کارکرد آنها نیز زبان زنده‌ی گفتار است.

اصطلاحی‌شدگی معنا و نشانداربودن از نظر سبک، ساختهای مورد نظر ما را به واحدهای اصطلاحی نزدیک می‌کند. از سوی دیگر واحدهای واژگانی که جایگاه‌های نحوی آزاد را در ساختهای قالبی‌شده اشغال می‌کنند، از واژه‌های آزاد هستند. از این نظر این ساختها متفاوت با واحدهای اصطلاحی هستند که ویژگی خاصشان ثبات ترکیب واژگانی اجزاء است.

این نکته را باید در نظر داشت که در ترکیب واحدهای اصطلاحی نیز ممکن است اجزاء متغیری به‌کار روند که با واژه‌های موجود در بافت همراه می‌شوند. با کمک این واژه‌ها که «عنصر درونه‌ای» (embedded element) نامیده می‌شوند، واحدهای اصطلاحی در بافت گنجانده می‌شوند. انواع گوناگونی از «عناصر درونه‌ای» وجود دارد که برپایه‌ی ویژگیهای ساختی-معنایی و نقشی از یکدیگر متمایز می‌گردند (روبینچیک ۱۹۸۱؛ ورتنیکوف ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۳: ۴۳-۳۹). در ارتباط با این نکته مشکلات خاصی در جداکردن ساختهای قالبی شده که دارای اجزاء ثابت در ترکیب خود هستند، از جمله‌های اصطلاحی دارای ساخت ناپیوسته یا ناقص (elliptical) پیش می‌آید. نمونه‌هایی از جمله‌های اخیر اینها هستند: این هم شد...؟! امان از این...!

۱. منظور از «گسترش و توزیع اعضا» آن است که هر یک از اعضا به‌صورت هسته عمل کند و دارای یک یا چند وابسته شود.

است که هر چند در نقش اجزاء متغیر ساختهای قالبی شده اسم و فعل هر دو به کار می‌رود، اما در ترکیب واحدهای اصطلاحی، فعل هیچ‌گاه نمی‌تواند در نقش «عنصر درونه‌ای» عمل کند. جدا از آن، در ترکیب ساختهای قالبی شده دست کم دو جزء متغیر غالباً به صورت حشو (tautologic) وجود دارد، اما در میان واحدهای اصطلاحی تنها برخی ترکیبات ثابت پراکنده دیده می‌شود که دارای دو «عنصر درونه‌ای» هستند (ورتیکوف ۱۹۹۳: ۴۷-۴۶). بنابر تعریف در ترکیب اجزاء واحدهای اصطلاحی دست کم دو واژه آزاد وجود دارد، حال آن که در ترکیب ساختهای قالبی شده امکان دارد اجزاء ثابتی از واژه‌های آزاد وجود نداشته باشد. در این میان دیده می‌شود که میان ساختهای قالبی شده و واحدهای اصطلاحی حالت‌های بینابینی وجود دارد.

چند انگاره دیگر از ساختهای نحوی قالبی شده زبان فارسی را ارائه می‌کنیم.

N1 + dārim tā + N1 این ساخت دارای مفهوم زیر است:

«اشیاء یا پدیده‌هایی از یک مقوله و تنها از همان مقوله ممکن است کیفیات و ویژگیهای گوناگونی داشته باشند». در ترکیب این انگاره، جزء واژگانی ثابت «داریم» تنها به صورت اول شخص مفرد جمع در زمان حال و در وجه اخباری به کار می‌رود.

(۶) هیئت حاکمه داریم تا هیئت حاکمه. فرق بین هیئت حاکمه صالح با هیئت حاکمه ناپاک و فاسد را از اینجا می‌توان فهمید که... [کیهان، شماره ۱۰۶۱۳]

(۷) البته صف داریم تا صف. به چهار نفر مشتری یک بقالی هم که جلو مغازه منتظر خرید هستند می‌گویند «صف» تشکیل داده‌اند؛ به چهار پنج هزار نفر متقاضی خرید فرش هم می‌گویند توی صف ایستاده‌اند. [کیهان، شماره ۱۱۸۵۵]

(۸) هیچ شکی نیست که حاج حسن «پابره‌نه» شده بود، ولی پابره‌نه داریم تا پابره‌نه! هر کسی که کفشش را در آورد که پابره‌نه نمی‌شود. [اطلاعات هفتگی، شماره ۲۰۶۶]

مفهوم ساخت قالبی شده $in + Nsg1 + ?az ?\hat{a}n + Npl1 + Copneg$ عبارت‌های زیرند:
«این کاملاً چیز دیگری است؛ این آن چیزی نیست که تو در نظر داری؛ این همان نیست؛ اینها چیزهای کاملاً متفاوتی هستند.»

(۹) - می‌رم استادیوم، برف‌بازی!

- برف‌بازی دیگه استادیوم رفتن نمی‌خواد!

- این برف‌بازی از اون برف‌بازیها نیست. [کیهان، شماره ۱۱۷۶۲]

(۱۰) - اما اشتباه نکنید! این تخته سنگ از آن سنگها نیست. [اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۰۸] ساخت قالبی شده $N1 + N1 + Copaff$ مفهوم زیر را بیان می‌کند: «این یک چیز معمولی است و آن را باید همان‌طور که هست، پذیرفت.»

(۱۱) ... هدف ما تجربه اندوختن است و تجربه تجربه است. چه فرقی می‌کند تجربه تلخ باشد یا تجربه شیرین. [کیهان، شماره ۱۱۹۳۹]

(۱۲) آدم چه مسافرت خارج برود، چه مسافرت زنجان. چه فرقی می‌کند: مسافرت مسافرت است. [کیهان، شماره ۱۲۰۱۸]

این ساخت قالبی شده می‌تواند با بیان ارزیابی کیفی شیء یا پدیده‌ای که نام آن در نقش حشو عمل می‌کند، معنای دیگری را تجسم بخشد. مثلاً: آمریکا آمریکاست، شهر شهر است. در اینجا بسته به موضع گوینده نسبت به این یا آن ویژگی شیء یا پدیده مورد بحث می‌توان با کمک ویژگیهای آهنگ جمله ارزیابی مثبت یا منفی او را منتقل نمود.

معنای انجام کاری به صورت طولانی و فشرده را بیان می‌کند. $hâlâ + Vimp \cdot sg \cdot neg1 + [va/o]key + Vimp \cdot sg \cdot aff1$ این ساخت قالبی شده

(۱۳) آقای راننده... ولی آخه ما کار داریم، اداره مون دیر می‌شه. راننده جوابی نداد، ولی برای اینکه معرفت خودش را نشان بدهد، دستش را گذاشت روی بوق. حالا بوق نزن و کی بزن. ولی مگر باربرها اعتنا می‌کردند. [اطلاعات هفتگی؟]، شماره ۱۷۵۴]

(۱۴) یک شب، وقتی که نلسون راکفلر معروف و خانمش از گردش [در] شهر به خانه برگشتند، زن دچار سرفه ناگهانی و شدید شد و حالا سرفه نکن و کی سرفه نکن... [اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۶۲]

(۱۵) اگر بدوین چه بلایی سرم اومد! توی خیابون با دوتا سیاه گردن کلفت سینه به سینه شدم... فکر کردم ممکن است پیرن سرم، خام خام بخورندم. این بود که شروع کردم به دویدن: حالا ندو و کی بدو! [سپید و سیاه، شماره ۹۶۹]

در ارتباط با ویژگیهای ساختاری و معناشناختی ساختهای قالبی شده مسائلی همچون: طبقه‌بندی، روشهای توصیف و ثبت آنها در دستورهای زبان فارسی و نیز در فرهنگهای یک زبانه و دوزبانه، روشن ساختن معنی آنها، شناسایی محدودیتهای جانشینی مربوط به اجزاء متغیر، بررسی مشخصات سبک شناختی و ویژگیهای نقشی وجود دارد که می‌توانند موضوع پژوهشهای آینده باشند.

نشانه‌های قراردادی

N(noun) = اسم یا اجزاء نامی بخشهای گفتار

Vf(Verb finite) = صورت صرف شونده (شخصی) فعل

Vaff(Verb affirmative) = صورت مثبت فعل

Vneg(Verb negative) = صورت منفی فعل

Vimp(Verb imperative) = صورت وجه امری فعل

Cop(Copula Verb) = فعل ربطی

sg(singular) = شمار مفرد

pl(plural) = شمار جمع

کتابنامه

Rubinchik, IU. A., 1981. *Osnovy frazeologii persidskogo iazyka*. Moskva.

Teliia, V. N., 1966. *Chto takoe frazeologiya*. Moskva.

Veretennikov, A. A., 1988. "O tipakh ramochnoi konstruksii glagol'nykh frazeologizmov persidskogo iazyka". v kn.: *Aktual'nye problemy stroia iranskikh iazykov*. Moskva.

Veretennikov, A. A., 1993. *Ocherki glagol'noi frazeologii persidskogo iazyka*. Moskva.